

درس یازدهمیاران عاشق

۱- بیا عاشقی را رعایت کنیم      یاران عاشق حکایت کنیم

قلمرو زبانی: عاشقی را: راه و رسم عاشقی را / یاران عاشق: شهدا، رزمندگان

قلمرو ادبی: عاشقی: مجاز از راه و روش عاشقی / واج آرایبی «ا»

قلمرو فکری: بیا راه و رسم عاشقی را رعایت کنیم و یادی کنیم از یاران عاشقی (شهدایی) که دیگر در کنار ما نیستند.

۲- از آنها که خونین سفر کرده اند      سفر بر مدار خطر کرده اند

قلمرو زبانی: آنها: شهدا، رزمندگان / مدار: جای دور زدن / مدار خطر کردن: گذشتن از جان و مال / خطر: کار دشوار و

مرگ آفرین

قلمرو ادبی: مصراع اول کنایه از «شهادت» / مصراع دوم کنایه از: خطرات راه را پذیرفتن و گذشتن از جان و مال /

مدار خطر: اضافه استعاری: خطر مانند چیزی است که مدار دارد / سفر خونین کردن کنایه از شهادت / سفر: تکرار

قلمرو فکری: یاران عاشقی که شهید شدند و از جان و مال خود گذشتند (مفهوم: عاشقان آگاهانه جان می بازند). پایان

عاشقی شهادت است.)

۳- از آنها که خورشید فریادشان      دمید از گلوی سحر زادشان

قلمرو زبانی: آنها: شهدا، رزمندگان / دمید: فعل ماضی ساده

قلمرو ادبی : تشبیه : خورشید فریادشان ( فریادشان مانند خورشید روشنی بخش و گرما بخش است ) / استعاره : گلوی سحر زاد ( گلویشان مانند موجودی است که سحر می زاید ) / سحرزاد: کنایه از بیدارگر، حیات بخش / مجاز: « گلو» مجاز از « دهان » / فریاد از گلو دمیدن کنایه از اعتراض

قلمرو فکری : یاد کنیم از آنهایی که فریادشان چون خورشید روشنی بخش است و از دهانشان ، امید و پیروزی طلوع می کند.

#### ۴- چه جانانه چرخ جنون می زنند / د ف عشق با دست خون می زنند

قلمرو زبانی : جانانه : جان + انه / چرخ جنون : رقص دیوانگی / با دست خون : دست خون آلوده شده / د ف : نوعی ساز،

قلمرو ادبی: تناقض ( پارادوکس ) : ۱- چرخ جنون: کنایه از شوریدگی / ( رقص هنگام شادی و آگاهی است ) ۲- با دست خون آلوده د ف زدن / تشبیه : د ف عشق ( عشق مانند دفی است که می زنند ) / کنایه : د ف زدن ( شادی کردن ) / دست خون : اضافه استعاری

قلمرو فکری : چقدر عاشقانه و زیبا ، دیوانه وار رقص عاشقانه می کنند ؛ با دستانی خون آلوده شده به شادی می پردازند.

#### ۵- به رقصی که بی پا و سر می کنند / چنین نغمه عشق سر می کنند:

قلمرو زبانی : نغمه : آوا / سر می کنند : می سرایند / موقوف المعانی با بیت بعد

قلمرو ادبی : تناقض ( پارادوکس) : ۱ . بی پا و سر رقص کردن ۲ . بی سر نغمه سرودن / تشبیه (نغمه عشق) : عشق مانند نغمه ای است که می سرایند. / سو ، سر : جناس تام / نغمه و رقص - پا و سر: مراعات نظیر

قلمرو فکری: آنانی که ، بی پا و سر ، رقص عاشقانه می کنند و آوازه های شادی سر می دهند.(به استقبال شهادت رفتن)

#### ۶- هلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما

قلمرو زبانی : هلا : آگاه باش / مُنکر: انکار کننده

قلمرو ادبی : جان مجاز از وجود / تشبیه : زخم انکار( انکار مانند زخمی است ) / کنایه : زخم انکار زدن کنایه از « سرزنش کردن » / تکرار : جان

قلمرو فکری: آگاه باش ای کسی که جان و جانان ما را منکر هستی و ما را سرزنش می کنی...

( ای کسی که وجود عاشق ما و معشوق را درک نکرده ای و نمی پسندی، تا می توانی با انکار عشق و عاشقی زخم بر جان ما بزن!)

#### ۷- بزن زخم ، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن ، غم عاشق است

قلمرو زبانی : مرهم : هر دارویی که روی زخم گذارند ، التیام بخش . / بی زخم مردن : مرگ معمولی و طبیعی.

قلمرو ادبی : استعاره : زخم استعاره از « سرزنش » / تشبیه : زخم مانند مرهم است / پارادوکس : مرهم بودن زخم

قلمرو فکری : تا می توانید ، با سرزنش های تان بر ما زخم بزنید ( برای ما جای نگرانی نیست) ؛ غم عاشق آن است که در راه معشوق جان نسپارد و به مرگ طبیعی بمیرد.

#### ۸- مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان ، اولین شرط عشق

قلمرو زبانی: سوخت : ( فعل دو وجهی ) سوخته شد ( از افعالی هست که گاهی نیاز به مفعول دارد و گاهی نیاز به مفعول ندارد ) / از فرط: در نتیجه فراوانی و بسیاری / خموشی : ساکت بودن ، دم بر نیاوردن / هان : شبه جمله ، آگاه باش قلمرو ادبی : استعاره : جان مانند چیزی است که سوخته می شود / عشق مانند آتشی است که می سوزاند. / سوختن جان: کنایه از رنج بسیار / خموشی: کنایه از سکوت و رضایت / فرط و شرط : جناس / جان و هان : جناس قلمرو فکری : مگو : « جانم از شدت عشق سوخته شده است » ؛ بدان که اولین شرط عشق و عاشقی ، سکوت کردن در برابر ناملایمات است.

## ۹- بین لاله هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

قلمرو زبانی: لاله : شهید ، ایثارگر

قلمرو ادبی: استعاره : لاله ( شهید ) - باغ ( سرزمین، وطن ) / تناقض ( پارادوکس ) : خموشند و فریادشان تا خداست / تناسب: لاله ، باغ / خاموشی و فریاد لاله ها: تشخیص

قلمرو فکری : این لاله هایی ( شهدا ) که در سرزمین ما هستند را با دقت نگاه کن که چگونه ساکت هستند و فریاد سکوت شان تا عرش بالا می رود. ( این بیت تأکید و مصداقی برای بیت قبل است. )

## ۱۰- بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله ها را حمایت کنیم

قلمرو زبانی : لاله / آلاله : شقایق ، لاله نعمانی

قلمرو ادبی : استعاره : لاله و آلاله استعاره از شهدا / تشخیص: بیعت با لاله ، حمایت از آلاله. / واج آرای « ل » قلمرو فکری : بیا دوباره با گل های لاله بیعت کنیم و از شقایق دو باره حمایت کنیم. ( برماست که با شهیدان عهدی ببندیم که از ثمرات خونشان صیانت کنیم )

هم صدا با حلق اسماعیل ، سید حسن حسینی

## کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- معادل معنایی واژه های زیر را بنویسید

مُنکِر آینه باشد چشم کور      دشمن آینه باشد روی زرد      عمادی شهریار      انکارکننده  
ای داور زمانه ، ملوک زمانه را      جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست      مسعود سعد سلمان      جای دور زدن و  
گردیدن

۲- \* اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنید:

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندنی	خوانده

قلمرو ادبی

۱- از متن درس ، برای هر آرایه ادبی نمونه ای مناسب بیابید و بنویسید:

تشبیه : ( دف عشق )      متناقض نما: ( خموشند و فریادشان تا خدا است )

۲- شعر « یاران عاشق » را از نظر قالب و مضمون ، با شعر « زاغ و کبک » مقایسه کنید.

قالب شعر یاران عاشق : مثنوی / قالب شعر زاغ و کبک : مثنوی

مضمون شعر یاران عاشق : یاد کردن شهیدان ، شهادت عاشقانه ، رعایت راه و رسم عاشقی ، تسلیم و تحمل سختی های عشق / مضمون زاغ و کبک : نکوهش تقلید کورکورانه و خود باختگی فرهنگی

### قلمرو فکری

۱- در بیت سوم ، مقصود از یاران عاشق ، چه کسانی است و به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟

شهدا ، ایشارگران. فریادشان مثل خورشید روشنی بخش است / سپیده سحر و پیروزی از گلوی شان می دمد

۲- در بیت آخر ، بر کدام یک از ارزش های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟ بیعت دوباره با شهدا و آرمان های انقلاب

۳- نخست ، مفهوم کلی بیت های زیر را بنویسید ؛ سپس برای هر یک ، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر ، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد / سعدی

ای انسانی که ادعای عاشقی می کنی؛ عشق حقیقی را از پروانه یاد بگیر ، که جانش را از دست داد اما فریادی نکشید. ( سکوت کردن در برابر سختی های عشق)

مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان ، اولین شرط عشق

ب) چه از تیر و چه از تیغ ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید ، که از کرب و بلا بید. / حمید سبزواری

روی تابیدن : روی برگردانیدن / جوشن : زره / تشبیه : عشق مانند جوشنی است. / تلمیح : به واقعه کربلا ( هیچگاه از عشق روی بر نمی تابید)

هلا منکر جان و جانان ما / بزن زخم انکار بر جان ما

۴- .....

از چنبر نفس ، رسته بودند آنها / بت ها همه را شکسته بودند آنها

پرواز شدند و پرگشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها

مصطفی محدثی خراسانی

### قلمرو زبانی:

چنبر: حلقه ، دایره / رسته : رها شده ( بن مضارع : ره ) / بت ها همه را : همه بت ها را : « را » نشانه مفعول است / عرش : آسمان

### قلمرو ادبی:

کنایه : « از چنبر نفس رستن » کنایه از « ترک تعلقات مادی » / استعاره : چنبر نفس « نفس مانند موجودی است که چنبر می زند » / « بت ها » استعاره است از « تعلقات مادی » / تناقض ( پارادوکس ) : دست بسته پرگشودن / واج

آرای : ش

### قلمرو فکری:

این رباعی در ستایش شهدای غواص سروده شده است.

شهدا همه تعلقات و دل بستگی ها را کنار زده بودند با وجود این که دست بسته بودند به سوی آسمان ها پرواز کردند.

## شعر خوانی

### صبح بی تو

شعر در باره امام زمان (عج) است

۱- صبح بی تورنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

قلمرو زبانی: تو: امام زمان (عج) / آدینه: جمعه / حالتی: مفعول / بیت دو جمله / بی: حرف اضافه / حتی: قید

قلمرو ادبی: تضاد: صبح، بعد از ظهر / تشخیص: مهربانی حالت کینه داشته باشد / مهربانی کینه دارد: متناقض نما /

صبح، بعد از ظهر آدینه است: تشبیه / نسبت دادن رنگ به صبح: استعاره / مهربانی و کینه: تضاد

قلمرو فکری: یا امام زمان، صبح بدون تو مانند بعد از ظهر جمعه ها غم آلود است. بدون حضور تو، حتی مهربانی چیزی

جز کینه و نفرت ندارد.

۲- بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

قلمرو ادبی: تشخیص: عشق خبر از چیزی داشته باشد / مراعات نظیر: تعطیل، جمعه - شنبه، جمعه / تضاد: شنبه،

جمعه / شنبه و جمعه: مجاز از همه روز ها / استفهام انکاری: عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد.

قلمرو فکری: یا امام زمان، می گویند بدون تو، کار عشق و عاشقی تعطیل است اما عشق به زمان کاری ندارد.

۳- جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

قلمرو زبانی: گنجینه: مال بسیار، گنج / بیت دو جمله

قلمرو ادبی: جغد: استعاره انکار کنندگان وجود امام زمان / جغد: نماد انسان شوم و ناخجسته / تلمیح: به اعتقاد قدما،

جغد در ویرانه های که گنج پنهان دارد، زندگی می کند / مراعات نظیر: جغد، ویرانه، خاک، گنجینه / تشخیص: جغد به

انکار بخواند. / بو: مجازاً نشانه / کنایه: «بوی چیزی را داشتن» کنایه از «نشان چیزی را داشتن» / گنجینه استعاره از

امام زمان / ویرانه در مصرع اول: استعاره از دنیای مادی، ویرانه ها در مصرع دوم استعاره از سرزمین ها

قلمرو فکری: انکار کنندگان، وجود تو را انکار می کنند؛ اما خاک این زمین که بدون حضور تو مثل ویرانه ای است، نشانه

های تو را آشکارا دارد.

۴- خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

قلمرو زبانی: دیرینه: قدیمی - صفت نسبی / بیت چهار جمله

قلمرو ادبی: تشخیص: عشق با آزار خویشاوندی داشته باشد / مراعات نظیر: رنجش، آزار / خویشاوندی داشتن کنایه از

هم نوع بودن / دوری مجاز از غیبت

قلمرو فکری: می خواستم رنجش های دوران دوری تو را بگویم اما یادم آمد که عشق با آزار نسبتی بسیار قدیمی دارند. (

دوری را باید تحمل کرد)

۵- در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

قلمرو زبانی: کبوتر چاهی: نوعی کبوتر به رنگ خاکستری سیر که امروزه معمولاً در اماکن متبرکه زندگی می کنند. / بیت

دوجمله

قلمرو ادبی: کبوتر چاهی استعاره از قلب امام زمان / هوا: ایهام تناسب ۱- فضا ۲- عشق و آرزو / در هوای کسی پر کشیدن: کنایه از شیفته بودن / سینه مجازا: دل / مراعات النظیر: کبوتر، پرکشیدن

قلمرو فکری: عاشقانت منتظر ظهور امام زمان هستند؛ و دل امام زمان در سینه اش با بی قراری برای عاشقانش می تپد (

### ۶- ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

قلمرو ادبی: تشبیه: قفل تیرگی ( تیرگی = مشبه، قفل: مشبه به )، ( می تواند استعاره هم باشد « تیرگی مانند خانه ای است که قفل دارد / شهر پر آینه استعاره از جامعه آرمانی / شهر مجاز از جهان / گشودن قفل: کنایه: از بین بردن ظلم و آگاه کردن مردم / تضاد: قفل، کلید/ تیرگی: استعاره از هر نوع پلیدی، ستم و ... / آینه: نماد روشنی، صداقت، صمیمیت و... / شهر: استعاره از پیروزی، نجات

قلمرو فکری: روزی به فرمان خداوند، با آمدن خود، تیرگی ها را از بین خواهد برد. و ما را به آرمان شهر خواهد رساند.

قیصر امین پور

درک و دریافت

۱- در خوانش این سروده، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟ لحن شعر و مکث و درنگ واژه ها و جملات

۲- « انتظار موعود » یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است؛ بر این مبنا، متن شعر خوانی را بررسی کنید.

در این غزل، به کار گیری واژه هایی مانند گشودن قفل بزرگ تیرگی و کلید شهر پر آینه بیانگر این است که روزی امام زمان ظهور خواهد کرد و ظلم را از بین خواهد برد و مردم را از جهل نجات خواهد داد.